

تأثیر ساختارهای انگلیسی در ترجمه از عربی به فارسی

دکتر شهریار نیازی

استادیار دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران

و

حافظ نصیری

(از ص ۶۵ تا ۹۶)

چکیده:

با گسترش نفوذ زبان انگلیسی در عرصه جهانی، علاوه بر واژگان، بسیاری از ساختارها و الگوهای بیانی این زبان به مرور خود را بر دیگر زبان‌ها تحمیل کرده و در موارد قابل توجهی، این ساختارها به جزئی از این زبان‌ها مبدل گشته و به طور کامل جای خود را تثبیت کرده است.

زبان عربی نیز به سهم خود از این فرایند تقریباً یکطرف بی‌بهره نبوده است. از آنجا که از دیدگاه زبان‌شناسی، زبان فارسی و زبان انگلیسی هم خانواده هستند، تأثیرپذیری زبان عربی از زبان انگلیسی در روند فهم متقابل زبان‌های عربی و فارسی اثرگذار خواهد بود. ما در این مقاله تلاش نموده‌ایم به برخی از نمونه‌های تأثیرپذیری ساختاری زبان عربی از زبان انگلیسی اشاره کنیم و نقش آن را در روند ترجمه از عربی به فارسی مورد توجه قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: ترجمه، ساختارهای دستوری، تأثیرپذیری.

مقدمه:

یکی از مسائلی که در روند ترجمه از عربی به فارسی تأثیرگذار بوده و در بررسی‌های نظری و عملی مورد غفلت قرار گرفته، تأثیرپذیری ساختاری زبان عربی از زبان‌های اروپایی، به ویژه زبان انگلیسی است که به نوبه خود بر روند ترجمه از عربی به فارسی تأثیر می‌گذارد.

زبان به عنوان عامل برقراری ارتباط در میان اقوام مختلف و مردمی که به یک زبان با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، از یک پشتوانه فرهنگی برخوردار است که قدمتش به تاریخ آن قوم باز می‌گردد. این پشتوانه فرهنگی بستری برای پیدایش واژگان و تعیین حد و مرز مفهومی آنها و نیز شکل و ساختار قالب‌ریزی مفاهیم در به کارگیری تعابیر و جملات می‌باشد.

به طوری که می‌دانیم، بستر فرهنگی زبان‌ها به دلایل مختلفی مانند نوع ارتباط با فرهنگ‌های دیگر در معرض تأثیرپذیری و تأثیرگذاری است. میزان تأثیرگذاری کشورهای توسعه یافته بر سایر کشورها، همزمان با عصر جدید افزایش فراوانی یافته است. گسترش اختراعات و پیشرفت‌های خیره‌کننده علمی، سیلی از واژگان و مفاهیم را به راه انداخته که با وجود معادل‌سازی برای برخی از آنها، بیشتر این واژگان هنوز هم در زبان‌های میزبان رایج هستند. بسیاری از این واژگان و مفاهیم، ریشه عمیقی در گذشته ما ندارند و در بیشتر موارد جدید هستند. به هر روی، حاصل این پیشرفت‌ها در زبان‌های میزبان، پیدایش واژگان جدید، تعبیرها، اصطلاحات و ساختارهای بیانی وارداتی بوده است.

در حقیقت، در برخی موارد این تغییرات چنان خود را به بستر فرهنگی زبانی تحمیل کرده‌اند که به صورت جزئی لاینفک از زبان در آمده و ریشه‌یابی منشأ پیدایش آن معنوم نیست. (صنحجو، ص ۵۵)

آنچه موضوع اصلی بحث را تشکیل می‌دهد، تأثیری است که این تغییرات در روند ترجمه - به طور مشخص از عربی به فارسی - بر جای می‌گذارد. به طور کلی، بحث بر

سر ساختارهای وارداتی زبان از خانوادهٔ زبان‌های هند و اروپایی به ویژه انگلیسی است که روند ترجمه از عربی به فارسی را نیز تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. اهمیت موضوع از آنجا ناشی می‌شود که براساس شواهد «این سیر ادامه خواهد یافت و جهتش نیز نزدیک شدن به گفتمان‌های غربی است.» (همانجا)

در نگارش مقاله، سعی بر این بوده است که مطالب تا حد امکان مستند باشد و از همین رو در برخی موارد تلاش شده است حداقل برای مثال‌های ذکر شده به منبع ارجاع داده شود. ربط مطالب مختلف و پراکنده در این زمینه نیز از جمله مشکلات کار بود که امیدوار هستیم به طور منطقی صورت پذیرفته باشد.

نگاهی به ساختار جمله در زبان‌های انگلیسی، عربی و فارسی:

۱-۱- عناصر اصلی تشکیل دهنده جمله:

۱- مسندالیه یا موضوع که در فارسی «نهاد»، در عربی «مبتدا» و در انگلیسی Subject (آغاز) خوانده می‌شود.

۲- مسند یا محمول و یا خیر که در فارسی «گزاره» و در انگلیسی «Predicate» و «verb» نامیده می‌شود. (نک: الجبوری، ص ۴۳؛ جماعت... ص ۳۰؛ لطفی پورساعدی، صص ۹۵-۹۸؛ George, P.15; Deborah, pp.601)

این نوع جمله در زبان انگلیسی یا جمله ساده (الجملة البسيطة) نامیده می‌شود. (الجبوری، ص ۴۴)

این عناصر، ارکان یک جمله هستند. زیرا، اگر تنها یکی از این ارکان حذف شود، مفهوم جمله ناقص و نارسا خواهد شد و عبارت باقی‌مانده، دیگر جمله به حساب نخواهد آمد.

عناصر اصلی نخست، در زبان فارسی به تناسب نوع فعل می‌تواند مسندالیه (=نهاد) یا فاعل نامیده شود بدین معنی که اگر فعل جمله، اسنادی یا ربطی باشد (یعنی یکی از افعال «بود، شد، گشت، گردید، است، هست» و مشتقات آن) «مسندالیه» نامیده می‌شود.

در غیر این صورت «فاعل» تلقی می‌گردد. اما از نظر جایگیری در جمله، در ابتدا ذکر می‌شود. (انوری، صص ۳۰۳-۳۰۴)

در زبان عربی نیز اگر «مبتدا» در جمله به بعد از خیر خود (که یک فعل معلوم باشد) منتقل گردد، در این صورت «فاعل» نام خواهد گرفت؛ مانند:

علی دانش آموز است. (علی: مسندالیه) علی طالب (علی: مبتدا)

Ali is student (Ali: Subject)

علی می‌رود. (علی: فاعل) یذهب علی (علی: فاعل)

Ali goes (Ali: Subject)

نکته‌ای که در اینجا خودنمایی می‌کند، این است که در زبان انگلیسی جای «آغاز» (Subject) و در زبان فارسی جای «نهاد» و «فاعل» قبل از فعل است. این در حالی است که در زبان عربی هر گاه فاعل داشته باشیم، محل قرار گرفتن آن معمولاً بعد از فعل است؛ در حقیقت، در زبان عربی حتی اگر جمله اسمیه‌ای داشته باشیم که خبر آن فعل باشد و مبتدا عملاً فاعل واقعی جمله باشد، باز هم فعل دارای ضمیری مستتر یا بارز به عنوان فاعل است که به فاعل حقیقی باز می‌گردد؛ مانند:

علی یذهب (فاعل: ضمیر «هو» مستتر در فعل)

علی و احمد یذهبان (فاعل: ضمیر بارز «ا» در فعل)

اما عنصر اصلی دوم، یعنی فعل نیز در زبان عربی تفاوتی اندک با فارسی و انگلیسی دارد. بدین معنی که اگر فعل جمله، با افعال «است»، هست، هستیم، هستی، هستید و هستند، (یعنی افعال To be که به عربی «افعال الکیونیه» خوانده می‌شود) جماعتاً (م. ۳۰) برابر باشد، از ذکر آن خودداری می‌گردد؛

مانند:

The Pencil is broken

مداد شکسته است

القلم مكسور

۱. البته باید توجه داشت که در زبان فارسی نیز فعل گاهی به قرینه لفظی یا معنوی حذف می‌گردد.

القطط على السطح (مان، ص ۳۱) گربه‌ها روی بام هستند
Cats are on the roof
نکته قابل ذکر دیگر اینکه در زبان فارسی، جای فعل همیشه در آخر جمله است؛ خواه فعل جمله، ربطی باشد خواه تام. (انوری، ص ۳۰۴) با توجه به اینکه فعل انگلیسی در وسط جمله و فعل عربی در ابتدای جمله می‌آید، هر سه زبان در این زمینه با یکدیگر اختلاف دارند، اما از آنجا که فعل در زبان انگلیسی و فارسی، بعد از فاعل خود ذکر می‌شود، برخلاف زبان عربی در این نکته با هم اشتراک دارند.

۲-۱- عناصر غیر اصلی جمله‌ها

علاوه بر عناصر اصلی که وجود آنها در هر جمله، مفروض است، عناصر دیگری نیز وجود دارند که وجودشان برای تشکیل جمله، واجب نیست، بلکه به عنوان عناصر غیر اصلی یا مکمل در ایضاح جوانب معنا مؤثرند. مفعول، صفت، قید و... از جمله این عناصر هستند. ما از میان این عناصر به بررسی صفت و مشخصاً قید می‌پردازیم.

صفت: نعت؛ Adjective

صفت که در عربی «نعت» و در انگلیسی Adjective نامیده می‌شود، از نظر «مذکر و مؤنث» و «مفرد و مثنی و جمع بودن تفاوت عمده‌ای با صفت انگلیسی و فارسی دارد، اما از نظر جایگیری در جمله به صفت فارسی می‌ماند، مگر در مورد قید صفت که مجدداً زبان عربی، از زبان انگلیسی و فارسی فاصله می‌گیرد. توضیح این مطلب در بخش قید آمده است.

در زبان عربی، صفت در «تأنیث و تذکیر» و «افراد و جمع»، با موصوف خود مطابقت دارد، و در جمله، پس از موصوف خود جای می‌گیرد؛ در حالی که در زبان انگلیسی از نظر جایگیری در جمله، قبل از اسم (موصوف) قرار می‌گیرد و از نظر «تأنیث و تذکیر» و «افراد و جمع» تفاوتی نمی‌کند و در یک حال باقی می‌ماند. (جماعة...)

صفت در زبان فارسی از نظر جایگیری در جمله با زبان انگلیسی تفاوت دارد و از این نظر همانند زبان عربی است، اما از جهت «تأنیث و تذکیر» و «افراد و جمع»، همانند صفت انگلیسی همیشه ثابت و بدون تغییر است و از این جهت با صفت عبری متفاوت است، اما از جهت «معرفه و نکره بودن» همانند صفت انگلیسی با صفت عربی همخوانی دارد. توجه به مثال‌های زیر مؤید این مطلب است:

۱- تطابق هر سه زبان در نکره و معرفه بودن - تفاوت انگلیسی و فارسی با عربی در تأنیث و تذکیر:

A red car سبارة حمراء (صفت: نکره و مؤنث) یک اتومبیل قرمز

The red book الكتاب الاحمر (صفت: معرفه و مذکر) کتاب قرمز

۲- تفاوت انگلیسی و فارسی با عربی در تشبیه صفت:

Two Strong men رجلان قویان (مثنی): دو مرد قوی

۳- تفاوت انگلیسی و فارسی با عربی در جمع بستن صفت:

Strong men رجال اقویاء مردانی قوی

به طوری که ملاحظه شد، در مثال‌های فوق، کاربرد صفت در سه زبان از جهت «معرفه و نکره بودن» با هم تطابق دارد، اما زبان‌های انگلیسی و فارسی در مسأله «تأنیث و تذکیر»، «افراد و جمع» با زبان عربی تفاوت دارند؛ زیرا در زبان‌های انگلیسی و فارسی تنها موصوف تشبیه یا جمع بسته می‌شود، اما در زبان عربی هم صفت و هم موصوف تشبیه یا جمع بسته می‌شوند و صفت باید با موصوف خود مطابقت داشته باشد.

نکته دیگر این که در زبان عربی، هم صفت و هم موصوف، علامت تعریف (ال) یا تنکیر (تنوین) می‌گیرند، اما حرف تعریف The در انگلیسی تنها به ابتدای ترکیب افزوده می‌شود و در فارسی نیز نیازی به علامت تعریف نیست. همچنین، علامت تنکیر (یک؛ A) در انگلیسی و فارسی به ابتدای ترکیب افزوده می‌شود و همانند تنوین در زبان عربی به هر دو بخش آن اضافه نمی‌شود.

قید؛ ظرف؛ Adverb

قید یا آنچه در انگلیسی Adverb نامیده شده و در عربی تحت عنوان «ظرف» از آن یاد می‌شود، کاربرد بسیار گسترده‌ای دارد و در زبان عربی به شکل‌های گوناگونی بیان می‌شود.

پیش از هر چیز لازم است تعریفی از قید داشته باشیم. «قید»، کلمه یا گروهی است که مفهومی را به مفهوم فعل و نیز به مفهوم صفت یا مسند یا قید دیگر و یا مصدر می‌افزاید و توضیحی دربارهٔ آنها می‌دهد و آنها را با آن مفهوم جدید مقید می‌کند. (انوری، ص ۲۲۱)

ما سعی خواهیم کرد با مقایسهٔ اشکال بیانی قید در زبان عربی، با قید انگلیسی (Adverb) و فارسی، تفاوت‌های ساختاری این زبان با انگلیسی و فارسی را مورد اشاره قرار دهیم. از جملهٔ این اشکال بیانی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد. (جماعة، ص ۸۲)

۱- قید فعل، که با مفعول مطلق نوعی و حال (در زبان عربی) برابری می‌کند؛

قید فعل «قیدی است که فعل را مقید می‌کند...؛ قید فعل چگونگی وقوع فعل را بیان می‌کند یا آن را به چیزی از قبیل مقدار، زمان، مکان، ترتیب، تکرار، تأسّف، تصدیق، تشبیه و مانند آنها وابسته می‌سازد.» (انوری، ص ۲۲۱)

مانند:

جری [جریاً] سریعاً؛ یا: جری مسرعاً؛ به سرعت دوید He ran quickly

با عنایت به نوع برخورد زبان عربی و با کمی دقت ملاحظه می‌کنیم، رویکرد این زبان تقسیم دویدن به چند نوع «دویدن تند، دویدن کند» و... است. در حقیقت این مسأله از کاربرد مصدر (=مفعول مطلق) آشکار می‌شود. زیرا اگر «جریاً» را که به قرینهٔ معنوی محذوف است، در نظر بگیریم، آنگاه «جریاً سریعاً» خود به تنهایی و خارج از جمله، صفت و موصوف است.

بنابراین زبان عربی با بیان صفت برای دویدن به تحدید نوع آن پرداخته است. اما آنگاه که از «حال» برای این منظور استفاده می‌شود، این رویکرد توصیف و قید زدن به فاعل است؛ نه فعل.

این در حالی است که رویکرد زبان انگلیسی و فارسی در این خصوص، ترکیب یک علامت یا حرف با واژه مورد نظر است؛ مانند: *quickly* = به سرعت.

ما در بخش پیامدهای تأثیرپذیری در ساختارها توضیح خواهیم داد که چگونه زبان عربی به این روش برای ساختن قید رو آورده است.

۲- قید صفت:

قید صفت، «قیدی است که درباره صفت بیانی ساده، صفت فاعلی، صفت مفعولی و نظایر آن توضیحی می‌دهد.» (معان، ص ۲۲۲)
مانند:

کتاب جید جداً یک کتاب بسیار خوب *A very good book*

به طوری که ملاحظه می‌شود، قید صفت در فارسی و انگلیسی، قبل از صفت جای می‌گیرد، اما در عربی بعد از صفت. در صفحات آینده به رواج این قید به سبک انگلیسی و فارسی در برخی لهجه‌های عربی اشاره خواهیم کرد.

۳- قید همراه با قید دیگر:

قید همراه با قید دیگر، یا «قید برای قید دیگر آن است که قید فعل را مقید کند.» (معانجا)

مانند:

جری سریعاً جداً یا: جری مسرعاً جداً

He ran very quickly بسیار سریع دوید

در این نوع قید نیز، محل جایگیری در ترکیب عربی با ترکیب فارسی و انگلیسی متفاوت است؛ یعنی، در زبان عربی، قید همراه با قید بعد از قید فعل آمده، اما در زبان‌های انگلیسی و فارسی، پیش از آن.

۴- قید زمان فعل:

مانند:

He came yesterday دیروز آمد

به طوری که ملاحظه می‌شود، قید زمان فعل، در زبان فارسی قبل از فعل، اما در زبان‌های انگلیسی و عربی بعد از فعل آمده است.

۵- قید مکان فعل:

She was sitting there آنجا نشسته بود

مانند: کانت جالسة هناك
به طوریکه ملاحظه می‌شود، قید مکان فعل، در زبان فارسی قبل از فعل، اما در زبان‌های انگلیسی - عربی بعد از فعل آمده است.

۶- قید چگونگی فعل:

این نوع قید نیز با توجه به تعریفی که گذشت، از انواع قید همراه با قید دیگر است و فعل را مقید می‌سازد.

مانند:

He writes well خوب می‌نویسد

یکتب كتابة حسنة
ذکر این نکته در اینجا لازم است که در زبان انگلیسی بسیاری از قیدهای چگونگی فعل، با استفاده از ترکیب «صفت + Ly» ساخته می‌شود. (جماعة ص ۸۲)

مانند:

عاملنى معاملة قاسية

He tread me with cruelty با من با بی‌رحمی رفتار کرد

عوامل و پیامدهای تأثیرپذیری زبان عربی و فارسی از زبان انگلیسی:

عوامل تأثیرپذیری:

عواملی چون پیشرفت‌های علمی، قدرت سیاسی - اقتصادی، و برتری موقعیت بین‌المللی، زنجیره‌های به هم پیوسته‌ای هستند که سبب افزایش قدرت تأثیرگذاری یک زبان می‌گردند.

شکی نیست که پیشرفت‌های علمی، باعث تقویت موقعیت و جایگاه اقتصادی سیاسی کشور ما می‌گردد. پیشرفت علمی، موجب افزایش توان اقتصادی یا لااقل برتری موقعیت سیاسی و فرهنگی یک کشور می‌شود. رشد و توسعه صنعتی اروپا در یک رابطه دو سویه با پیشرفت علم قرار داشت و برتری این کشورها را در عرصه‌های مختلف موجب گشت.

توسعه کشورهای اروپایی از جمله انگلیس و قدرت گرفتن امریکا در عرصه جهانی به موازات خروج از سیاست انزوا در اوایل قرن بیستم، موجب شاخص‌تر شدن زبان انگلیسی گردید و رفته رفته این زبان، خود را به عنوان مهمترین زبان بین‌المللی در مقابل دیگر زبان‌های اروپایی مطرح ساخت.

پژوهش‌ها و نتایج علمی بسیاری به زبان در جهان عرضه شد و زبان انگلیسی جایگاه خود را به عنوان یک زبان بین‌المللی برتر، تثبیت کرد. حاصل این روند، افزایش اقبال به این زبان و ترجمه از متون انگلیسی گردید و ترجمه از متون انگلیسی و رشد آموزش آن در کشورهای دیگر بود.

برتری علمی و اقتصادی سیاسی کشورهای انگلیسی زبان و در نتیجه تقویت موقعیت اجتماعی و فرهنگی این کشورها در عرصه بین‌المللی، به برتری این زبان بر سایر زبان‌ها منجر گشت.

در حقیقت، برتری موقعیت بین‌المللی کشورهای انگلیسی زبان، پرستیژ زبانی، کثرت ترجمه از انگلیسی، افزایش اقبال به یادگیری این زبان، همه و همه، برتری نسبی این زبان در مقایسه با دیگر زبان‌ها را موجب شده است.

این امر به نوبه خود تأثیرات زیادی در زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، به ویژه زبان و فرهنگ عربی، بر جای گذاشته است. زیرا سیل متون ترجمه شده از انگلیسی به عربی و افزایش فراگیری زبان انگلیسی در کشورهای عربی باعث هموار شدن راه برای پذیرش فرهنگ و برخی خصوصیات ساختاری این زبان گردیده است.

یکی از مهمترین عوامل بروز اصطکاک و تقابل ساختاری در زبان آژانس‌های خبرگزاری جهانی است که به دلیل امکانات فراوان و تشکیلات گسترده در سطح جهان، خدمت تبلیغاتی و اطلاع‌رسانی عظیم خبری، اخبار مختلف از سراسر جهان در عرض چند ساعت در تمام نقاط دنیا منتشر می‌گردد.

ترجمه سریع مطبوعاتی و خبری، خود عامل مهمی از عوامل تأثیرگذاری زبان اصلی این رسانه‌ها بر زبان‌های میزبان است. زبان عربی از طریق ترجمه اخبار از این خبرگزاری‌ها تأثیرپذیر بوده است. (شرف، ص ۱۲۵)

حجم عظیم ترجمه اخبار از این رسانه‌ها و نقش متحول‌کننده آن در این زمینه انکارپذیر نیست و خود پژوهش دیگری را طلب می‌کند. (نک: همان، صص ۲۶۸-۲۴۷)

بعلاوه، افزایش ارتباط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی، سیاحتی و علمی را نیز باید در این خصوص مورد توجه قرار داد.

همچنین، باید به این نکته مهم اشاره کرد که تأثیرپذیری دانشمندان، ادیبان و روزنامه‌نگاران از زبان‌های نوین اروپایی و تقلید از سبک این زبان‌ها - به ویژه زبان انگلیسی - بیشترین سهم را در تحولات معاصر زبان عربی داشته است. (همان، ص ۱۲۹)

نکته دیگر اثرگذار در این زمینه، نقش زبان عامیانه است. زبان عامیانه به عنوان زبان اولیه ارتباطی عرب‌ها با یکدیگر، به دلیل برخی ویژگی‌های ارتباطی از جمله کوتاهی جملات، میل به انتقال سریع مفهوم، عدم تمرکز بر جنبه‌های حاشیه‌ای پیام، ارتباطات فرهنگی با کشورهای دیگر و... از این زبان‌ها تأثیرپذیر بوده است که در صفحات آینده به نمونه‌ای از این تأثیرپذیری اشاره خواهیم کرد.

پیامدهای تأثیرپذیری:

ورود واژگان بیگانه:

هم زبان فارسی و هم زبان عربی، واژگان بسیاری را از انگلیسی و سایر زبان‌های اروپایی وارد کرده‌اند بسیاری از اصطلاحات علمی و واژگان فنی از جمله این واژگان وارداتی است.

با وجود آنکه برای تعداد زیادی از آنها معادل‌گذاری عربی یا فارسی توسط فرهنگستان‌های این کشورها صورت پذیرفته است، باز هم اصل واژه وارداتی در زبان میزبان، به ویژه در میان توده مردم رایج است.

برای مثال، واژه Technology هم در زبان فارسی و هم در زبان عربی استعمال می‌شود در زبان فارسی «تکنولوژی» و در زبان عربی «تکنولوجیا» خوانده می‌شود. این در حالی است که زبان فارسی واژه «فن‌آوری» را به جای این واژه انتخاب کرده است. با این وجود هر دو لفظ «تکنولوژی» و «فن‌آوری» در زبان فارسی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

مثال دیگر، واژه Democracy است که در زبان عربی با اندک تعدیلی، «دیموقراطیه» و در زبان فارسی «دموکراسی» خوانده می‌شود. برای این واژه نیز در فارسی «مردم‌سالاری» و در عربی «سیادة الشعب» به صورت جایگزین به کار می‌رود، اما در عین حال اصل انگلیسی این واژگان نیز کاربرد دارد.

مثال دیگر در این زمینه، Ideology (ایدئولوژی) است. با وجود آن که در زبان عربی معادل‌هایی چون «المذهب» و «الفکریة» برای آن ارائه شده، لفظ «ایدیولوجیا» همچنان به طور گسترده کاربرد دارد. (نک. غصن، ذیل صفحه ۲۱۳)

Telescope دیگر واژه‌ای است که هم به زبان فارسی و هم به زبان عربی راه یافته و همچنان کاربرد دارد. با وجود آنکه در عربی واژه «مقراب» برای این لفظ معادل‌سازی شده، باز هم اصل لفظ کاربرد دارد.

از آنجا که موضوع این مقاله، ساختارهای وارداتی است، به ذکر همین تعداد از واژگان اکتفا می‌کنیم.

ورود ساختارها و الگوهای بیانی:

مسئله مهمتر که فحوای این مقاله را تشکیل می‌دهد، مربوط به رواج ساختارهای انگلیسی در زبان عربی است.

«به اعتقاد زبان‌شناسان، برخورد و اصطکاک میان دو زبان لاجرم به تأثیرپذیری هر یک از آنها از دیگری منجر می‌گردد.» (شرف، ص ۱۲۴)

اما مسأله اینجاست که این تأثیرپذیری‌ها همیشه دو سویه نیست. در حقیقت، تأثیرپذیری زبان‌های دیگر از زبان انگلیسی به دلیل موقعیت برتر این زبان، یک طرفه است. (صلحجو، ص ۹۲)

به همین دلیل امروزه، در زبان عربی با ساختارها و الگوهای بیانی خاصی مواجه می‌شویم که از طبیعت زبان عربی نشأت نمی‌گیرد و با این وجود کاربرد و شیوع گسترده‌ای دارد.

پیش از هر چیز، ذکر این نکته ضروری است که برخی از صاحب‌نظران معتقدند از آنجا که پژوهش‌های نحویان عرب بر اساس لهجه‌های بعضی از قبایل و زبان شعر عربی در قرن دوم هجری مبتنی بوده و متون نثری را که پس از این دوران شکوفا شده در بر نگرفته، بنابراین نمی‌توان تنها با استناد به کتاب‌های نحویان قدیم، تمام اسلوب‌های شایع در متون مثنوی عربی را شناخت و به سادگی درباره برخی از این روش‌های رایج خرده گرفت و آن را کاملاً وارداتی توصیف نمود.

برای مثال، تتابع مصدرها، فک اضافه با به کارگیری حرف جر، تنکیر با استفاده از «احد» یا «احدی» و... از جمله ترکیب‌هایی است که نثر قدیم عربی با آن آشنا نبوده و از ویژگی‌های نثر جدید است، اما به دلیلی که بیان شد، حداقل تا این زمان نمی‌توان آنها را غیر عربی توصیف نمود. (نهمی حجازی، ص ۲۹)

این در حالی است که برخی در مواجهه با تعدادی از این ترکیب‌ها آن را غلط شایع خوانده و سعی کرده‌اند برای آنها معادل‌های درست ارائه دهند. (نکه خاقانی، ص ۲۱۹)

با این حال چنانکه گفته شد ترجمه از جمله عوامل مهم تأثیرگذاری زبان انگلیسی بر زبان عربی بوده است. از راه ترجمه متون مختلف خبری، علمی، اقتصادی، سیاسی و... از زبان‌های اروپایی و در رأس آنها زبان انگلیسی، تعبیرات و روش‌های بیانی قابل توجهی به زبان عربی راه یافته است. (شرف، ص ۴۳)

البته این تأثیرگذاری‌ها نه تنها واژگان را در بر گرفته بلکه به قواعد، روش‌ها و الگوهای بیانی نیز منتقل شده است. برخی از این الگوها در ابتدا تنها یک ترجمه تحت اللفظی بوده است که وارد مطبوعات عربی و ریاست شده و سپس به طور کامل جا افتاده است. (همان، ص ۱۲۵)

«به کارگیری روش‌ها و ترکیب‌های بیانی وارداتی، از جمله آثار ترجمه مطبوعاتی بر زبان عربی است که از طبیعت بیان زبان‌های بیگانه برگرفته شده است. مانند شیوع کاربرد جمله‌های اسمیه و پراکندگی این جملات به عنوان واحدهای مستقل؛ به طوری که این روش مطبوعاتی خیلی زود وارد مقالات، تحقیق‌ها و... گردید.» (همان، ص ۴۳)

ما در صفحات آینده سعی خواهیم کرد به ذکر نمونه‌هایی از این تأثیرپذیری‌ها بپردازیم. اما پیش از آن لازم است نقش زبان عامیانه را در این خصوص مورد توجه قرار دهیم؛ زیرا زبان عامیانه، نقش مهمی در عرصه نزدیکتر شدن ساختارها و الگوهای بیانی عربی به فارسی دارد.

به طوری که می‌دانیم، زبان عامیانه کاربرد گسترده‌ای در تعاملات مردم کشورهای عربی دارد. بنابراین از خصوصیت همگانی بودن و اهمیت زیاد در امر درک ارتباطات فرهنگی برخوردار است.

حقیقت، آن است که زبان عامیانه، به جز کتب و مطبوعات و تعدادی از برنامه‌های رسانه‌های عربی، در جای جای زندگی مردم این کشورها نقش زنده دارد.

البته بررسی نقش زبان عامیانه در این خصوص، خود پژوهش دیگری را طلب می‌کند؛ ما در اینجا تنها به ذکر نمونه‌ای اکتفا می‌کنیم.

برای مثال، در لهجه شامی گاه حتی جای قید صفت با خود صفت عوض می‌شود و همانند زبان انگلیسی و فارسی پیش از صفت به کار برده می‌شود؛

مانند:

«مریم: فی‌الها منظر؟»

مریم: آیا چشمانداز دارد؟»

المدير: ايه،الها منظر كثير حلو عالساحة (ثيبان، ص ۶۷) (به جای منظر حلو كثير عالساحة)

مدیر: بله، چشم انداز بسیار زیبایی بر روی میدان دارد. شاید مثال زیر نیز که رویکرد هر سه زبان انگلیسی، فارسی و عربی را در این زمینه نشان می دهد، گویاتر باشد:

مطعم كثير منيح یک رستوران بسیار خوب A very good restaurant بدون شک، توجه کافی به این ساختارها برای مترجم عربی - فارسی ضروری است. ضمن آنکه رواج این ساختارها، به طوری که بیان خواهد شد، عامل تسهیل کننده روند ترجمه از عربی به فارسی به حساب می آید.

نزدیکتر شدن زبان عربی و فارسی به یکدیگر به طوری که می دانیم از منظر تاریخ زبانی، زبان عربی نسبت خویشاوندی دوری با فارسی دارد؛ زیرا از این منظر، مجموعه ای از زبان ها که در بعضی ویژگی های ساختاری، وجه اشتراک دارند، در یک شاخه قرار می گیرند. در حقیقت «وجوه و جنبه های شبه اساسی میان تعدادی از زبان ها به این معناست که آنها از یک اصل واحد سرچشمه گرفته اند؛ یعنی زبان نخستینی که این زبان ها در طول تاریخ از آنها ناشی شده اند. (همی حجازی، ص ۲۰)

بر اساس این تقسیم بندی ها که از قرن نوزدهم به بعد صورت گرفت، زبان فارسی و انگلیسی در خانواده زبان های هند و اروپایی و زبان عربی در شاخه زبان های سامی جای می گیرد. (نک: همان، ص ۱۱۷)

البته، شاخه زبان های سامی، خود در مجموعه خانواده زبانی افریقایی - آسیایی (Arro-Asiatic) قرار می گیرد که شامل ۵ شاخه بزرگند؛ این شاخه ها عبارتند از مصری، بربری، کوشی، چاد و سامی. شاخه سامی این گروه، شامل زبان های آرامی - کنعانی و عربی - حبشی (Arabic-Ethiopic) است. (کویری، صص ۷۳-۸۰)

زبان انگلیسی نیز خود از خانواده بزرگ هند و اروپایی و از شاخه ژرمنی غربی منشعب می‌شود. (همان، ص ۸۰)

با عنایت به آنچه گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که ساختارهای زبان فارسی در مقام مقایسه، به زبان انگلیسی نزدیک‌تر است.

این در حالی است که براساس نظریه چامسکی زبان‌ها تنها در سطح روساخت با یکدیگر تفاوت دارند و این نیست مگر وجود اندیشه یگانه بشر. از سوی دیگر روساخت‌های متفاوت در فرایند ترجمه به یکدیگر نزدیک خواهند شد... انگل (Engle) می‌گوید: همین طور که این دنیا همچون نارنج پلاسیده‌ای چروک می‌خورد و کوچک می‌شود، و تمام مردم از فرهنگ‌های گوناگون به یکدیگر نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند، (هر چند برخلاف میل خود و همراه با سوء ظن) به نظر می‌رسد که شعار حیاتی ما در سال‌های باقی مانده باید چنین باشد: یا بمیر یا ترجمه کن (صلحجو، ص ۹۲) به نظر می‌رسد شعار درستی باشد و نتیجه محتوم آن نزدیک شدن زبان‌ها و صورت‌های بیانی به یکدیگر است.

به اعتقاد برخی صاحب‌نظران در ترجمه از انگلیسی به زبان‌های دیگر، به خصوص زبان‌هایی که نسبت خویشاوندی دورتری با انگلیسی دارند، مترجم هرگز زبان مبدأ (انگلیسی) را در جهت تطبیق یافتن با زبان مقصد (زبان غیرانگلیسی) دستکاری نمی‌کند؛ بلکه این زبان‌های دیگر هستند که باید خود را با قالب زبان انگلیسی تطبیق دهند. این بدان معناست که زبان انگلیسی همواره الگوهای زبانی خود را بر آنها تحمیل می‌سازد. (همان، ص ۹۳)

به همین دلیل، نفوذ قالب‌ها و الگوهای زبانی و ساختاری این زبان در دیگر زبان‌ها گسترش یافته است. به طوری که «زبان انگلیسی در مقام بزرگترین زبان دهنده، مرتباً در حال صدور ساخت‌های خود به سایر زبان‌هاست، در حالی که زبان‌های فرودست نتوانسته‌اند چنین کنند. (همان، ص ۹۳)

در نتیجه، فرایند نزدیک شدن ساختار زبان‌ها به یکدیگر دو طرفه نیست؛ زیرا موقعیت بین‌المللی زبان‌ها با هم برابر نیست.

به طوری که بیان شد، از دیدگاه زبان‌شناختی، خانوادهٔ زبانی عربی با فارسی متفاوت است. اما از آنجا که خانوادهٔ زبانی انگلیسی و فارسی یکی است، هر گونه تأثیرپذیری عربی از انگلیسی به معنی نزدیکی این زبان به زبان فارسی نیز به حساب می‌آید.

با توجه به آنچه گفتیم، در هر نقطه از ترجمه از عربی به فارسی که تفاوت‌های ساختاری دو زبان کمتر می‌گردد، از نظر قالب‌بندی عبارات و ساختارهای بیانی، مترجم به جرح و تعدیل کمتری نیاز پیدا می‌کند و در نتیجه با دشواری کمتری مواجه می‌گردد و این امر به نوبهٔ خود احتمال اشتباه و افت دقت را کاهش می‌دهد.

برعکس، هر جا که این ساختارها به هم شبیه نباشند، فرایند ترجمه مسیر بیشتری را طی می‌نماید و با سرعت و دقت کمتری صورت می‌پذیرد.

در سطح ساختارهای به کار گرفته شده در جملات و عبارات، این نزدیکی موجب کاهش بار سنگین مترجم به هنگام ساختار شکنی از زبان مبدا و ساختاریابی در زبان مقصد می‌گردد و کار کدگشایی از متن مبدأ را تسریع می‌بخشد.

به عبارت دیگر، نزدیکی صورت و شکل انتقال مفاهیم و همگرایی در پشتوانه فرهنگی واژگان و زبان، کاهش مشکلات ترجمه و افزایش دقت آن را در پی دارد.

در زیر به بررسی علمی نکات بیان شده در زمینهٔ نقش ساختارهای وارد شده از انگلیسی به عربی می‌پردازیم:

نقش ساختارهای وارداتی در فرایند ترجمه از عربی به فارسی:

آنچه در پی می‌آید، نمونه‌هایی است از ساختارهای دخیل، که در حال حاضر در زبان عربی استعمال می‌شوند. چنانکه پیشتر نیز گفتیم، بحث در خصوص درستی یا نادرستی استعمال این ساختارها، مورد توجه ما نیست.

ما در پی ردگیری تأثیرات این ساختارها در فرایند ترجمه از عربی به فارسی هستیم و در این زمینه قضاوت خاصی نداریم.

ما تنها به عنوان واقعیتی که در عمل اتفاق افتاده، بر آن صحه می‌گذاریم و تنها به ذکر این نکته اکتفا می‌کنیم که گفتمان‌های همه زبان‌ها در آینده‌ای که با چشم‌انداز فعلی می‌توان به آن نگرست، به گفتمان انگلیسی نزدیک خواهند شد. (همان، ص ۹۳)

به هر روی، استعمال نسبتاً گسترده این ساختارها ما را بر آن می‌دارد که با آنها و نقشی که ایفا می‌کنند، آشنا باشیم.

نمونه‌های زیر از جمله شایع‌ترین این ساختارها است که در متون مختلف به چشم

می‌خورد:

اسافزودن دو یا چند فعل به یک فاعل یا مفعول:

مانند:

يفتح و يقرأ زمیلی الكتاب؛

ترجمه: همکلاسی من کتاب را باز می‌کند و می‌خواند.

در ساختار کلاسیک عربی، یک فعل برای یک فاعل و یک مفعول اختصاص می‌یابد، اما فعل دوم به عنوان معطوف و همراه با ضمیری که به مفعول باز می‌گردد، ذکر می‌شود: يفتح زمیلی الكتاب و يقرأه.

به طوری که ملاحظه می‌شود ترجمه اولیه این جمله به شکل «همکلاسیام کتاب را باز می‌کند و آن را می‌خواند» در مقایسه با ترجمه قبلی به یک کار اضافه از سوی مترجم نیاز دارد و آن حذف ضمیر و نشانه مفعولی (آن را) است. زیرا با این عمل، ترجمه روانتر می‌شود.

به نظر می‌رسد نقطه آغاز شیوع این نوع کاربرد افعال، از طریق ترجمه برخی جملات مجهول انگلیسی، صورت گرفته باشد. زیرا در زبان عربی کاربرد جمله مجهول تنها زمانی است که فاعل واقعاً معلوم نباشد. ذکر جملات مجهول و اشاره به فاعل با استفاده از ترکیب‌هایی مانند «بواسطة»، «من قبل» و... بافتی جدید است که از زبان انگلیسی وارد عربی شده است. (مامی، ص ۲۷)

در این میان، برخی اقدام به ترجمه این قبیل عبارات‌ها به صورت معلوم و حذف این ترکیب‌ها از جمله نموده‌اند، اما در این میان، به حروف جر لازم برای برخی فعل‌ها توجه نکرده‌اند؛ مانند مثال زیر:

Heart is governed and directed by passion.

تحکم و توجه العاطفة القلب (حسن یوسف، ص ۲۰۶)

در حقیقت، عبارت فوق باید به این شکل ترجمه می‌شد:

تتحکم العاطفة فی القلب و توجهه.

البته ذکر این نکته در اینجا لازم است که در فارسی نیز آنگاه که مفعول جمله با دو فعل مشابه به کار نرود (یعنی فعل نیاز به حرف اضافه متفاوت داشته باشد)، این قاعده مراعات نمی‌شود. مانند جمله اخیر، ترجمه آن چنین است:
عاطفه بر قلب حکومت می‌کند و آن را هدایت می‌نماید.

به هر روی وجود افعال یکدست برای یک فاعل یا مفعول در فارسی به قدری هست که مورد یاد شده و مانند آن به عنوان استثنا تلقی شوند. از این رو، این قاعده در زبان انگلیسی عمومیت دارد.

به طور کلی رواج این ساختار در زبان عربی، در مواردی همچون مثال اول سبب نزدیکی قالب‌های بیانی زبان عربی به فارسی شده است؛ بدین معنی که می‌توان مفعول را در فعل اول، به قرینه محذوف دانست.

۲- شروع با ابهام جمله:

در متون روزنامه‌ای عربی، عبارات‌های بی‌شماری را در این ساختار مشاهده می‌کنیم:
فی خطاب القاه بین المتظاهرين صرح رئيس الجمهورية...

رویکرد ساختاری در زبان عربی، بر پایه شروع جمله بدون ابهام است؛ یعنی، فعل عربی در هر جای جمله که بیاید متمایل است فاعلش در کنارش ذکر شود یا ضمیری متناسب با فاعل به آن ارجاع شود.

یعنی عبارت بالا باید به این شکل بیان شود:

صرح رئيس الجمهورية فی خطاب القاه بین المتظاهرين...

البته رواج این الگو به متون مطبوعاتی محدود نشده و در متون مختلف دیگر نیز مشاهده می‌شود. (به عنوان نمونه نک: الجبوری، ص ۱۶۱)

تا اینجای کار مشکل چندانی در ترجمه بروز نمی‌کند، اما در ساختار کلاسیک عربی، غالباً هنگامی که فعل در میان جمله بیاید و مفهوم استمراری داشته باشد (در این صورت معمولاً جمله با «منذ» شروع می‌شود)، قبل از آن «رابط» و «ضمیر» ذکر می‌گردد و در حقیقت حالت استمرار مورد توجه قرار می‌گیرد؛

این، درست همان چیزی است که ممکن است مترجم عربی - فارسی را دچار اشتباه کند زیرا نوعی شباهت ساختاری میان چنین جملاتی با جمله‌های حالیه معترضه وجود دارد؛ برای مثال، ترجمه عبارت انگلیسی زیر را باید چنین ببینیم:

Since it took its course, the Nile river flows into the Mediterranean sea.

«منذ آن اتخاذ نهر النيل مجراه و هو یصب فی البحر المتوسط.» (حسن یوسف، ص ۲۰۷)

ترجمه: از زمانی که رود نیل مسیر خود را در پیش گرفت، به دریای مدیترانه می‌ریزد.

اما رواج الگوی شروع با ابهام جمله، (یعنی ذکر ضمیر بدون اشاره به مرجع آن) که از جمله ساختارهای رایج زبان انگلیسی است، عاملی است که مترجم عربی - فارسی را از اشتباه‌رهایی می‌بخشد. زیرا با رعایت ساختار جدید، جمله فوق را به شکل زیر می‌بینیم:

منذ ان اتخذ مجراه، یصب نهر النيل فی البحر المتوسط. (مانانجا)

به طوری که ملاحظه می‌کنیم، در ترجمه این ساختار به فارسی، احتمال اشتباه فاحش وجود دارد، اما در ساختار اول، ممکن است عبارت «و هو یصب...» به عنوان جمله حالیه معترضه در نظر گرفته شود و این عبارت، از نقش خبری خود خارج گردیده و در نتیجه، ارتباط عبارات متن بر هم بریزد.

حتی با فرض دقت مترجم نیز فرایند ترجمه طولانی تر خواهد بود؛ زیرا باید «و» و ضمیری که به فاعل باز می‌گردد، بنا به عدم نیاز در ساختار فارسی حذف شود.

۳- کاهش کاربرد مفعول مطلق و رواج ترکیب‌های کمکی مانند: «بصوره»، «بشکل»، «لدرجة أن...» و غیره:

گفتیم در زبان عربی به جای قید فعل از مفعول مطلق یا حال استفاده می‌شود. این قید در زبان انگلیسی و فارسی با افزودن علامتی به آخر صفت ساخته می‌شود، مانند:

جاهل = جاهلانه Ignoran = Ignorantly

گاه نیز قید در دو زبان اخیر از ترکیب حرف اضافه (که در عربی آن را حرف جر می‌نامند) با مصدر ساخته می‌شود. مانند:

He treated me with cruelty با من با بی‌رحمی رفتار کرد.

مورد اخیر کاربرد قید، از راه‌های مختلف از جمله ترجمه، در متون عربی نیز شایع شده است. مثلاً ترجمه جمله فوق را چنین می‌بینیم:

عاملنی بقساوة (به جای عاملنی معامله قاسية)

به دلیل کاربرد زیاد قیدها و انواع ترکیب‌های قیدی، استفاده از این ترکیب‌ها در زبان عربی به جای مفعول مطلق، تسهیل‌کننده امر ترجمه از عربی به فارسی است. در حقیقت فرایند ذهنی ترجمه با رواج این ترکیب‌ها کوتاه‌تر خواهد شد.

امروزه در متون عربی بویژه مطبوعات، از ترکیب «ب + صفت بیانی» به جای مفعول مطلق به طور چشمگیری استفاده می‌شود که به نظر می‌رسد ترجمه‌ای از ترکیب انگلیسی «In the shape of» (= به شکل، به صورت، به گونه‌ای) باشد. در مثال‌های زیر ساختار کلاسیک عبارت‌های عربی را با ساختار جدید آن مقایسه می‌کنیم:

یتساقط المطر تساقطاً غریزاً = یتساقط المطر بصورة غریزة

باران به شدت (= به صورت شدیدی) می‌بارد.

تساقط المطر تساقطاً سبب فی انسیال السیول = تساقط المطر لدرجة أن سبب فی انسیال السیول (مانجا)

باران آن قدر (= به اندازه‌ای) بارید که سبب جاری شدن سیل شد.

ضحکت انا و لیز بشده لدرجه آلمتنا جوانبنا (استاین، ص ۴۴) = ضحکت انا و لیز
ضحکة آلمتنا جوانبنا.

من و لیز به شدت خندیدیم؛ به قدری (= به اندازه‌ای) که پهلویمان درد گرفت.
دخل هذا التيار بشكل فاعل في الساحة الاقتصادية (مصرية ایران و العرب، ص ۱۱) = دخل
هذا التيار دخولا فاعلا في....

ترجمه: این جریان به طور (= به شکل) مؤثری به عرصه اقتصاد وارد شد.
در خصوص استفاده از «بشکل» به جای مفعول مطلق، برخی بر این عقیده‌اند که
می‌توان به جای از ترکیب «بطریقه» استفاده کرد. (خاتانی، ص ۲۲۰)، مانند:
تسیر السیارات بطریقه فوضویة (تسیر السیارات بشکل فوضوی) = تسیر
السیارات سیر فوضویا
ترجمه: اتومبیل‌ها به گونه‌ای مشوش و با بی‌نظمی حرکت می‌کنند.

نکته قابل ذکر در این زمینه آن است که هر دو ترکیب «بشکل» یا «بطریقه»، ترکیب
انگلیسی «In the shape of» را تداعی می‌کند.

در هر حال، چنانکه ملاحظه می‌شود ساختارهای دوم به ساختار فارسی نزدیک‌تر
است و در نتیجه ترجمه آن سریعتر بوده و به تعدیل پیچیده‌ای نیاز ندارد.

۴- شیوع کاربرد «ضد» بر برخی افعال عربی:

کاربرد «ضد» با افعال مختلف از آن جهت برای مترجم عربی - فارسی حائز اهمیت
است که اولاً فهم آن به راحتی امکان‌پذیر است و ثانیاً با وجود آن از ذکر برخی حروف
اضافه ملازم با فعل عربی که فهم معنای آن به دقت و آگاهی نیاز دارد، بی‌نیازی حاصل
می‌گردد.

برای نمونه «ضد» با افعال «اتهام»، «مقاتلة»، «تأمر»، «مخاربة»، «مكافحة»، «تلقیح» به کار
می‌رود. این نوع کاربرد نیز به تأثیرپذیری از زبان انگلیسی صورت گرفته و در حقیقت،
«ضد» به عنوان ترجمه انگلیسی «Against» به کار رفته است.

مانند:

اتهامات ضده = اتهامات موجهة الیه

اتهاماتی علیه او

قاتل ضد الوثنية = قاتل الوثنية

علیه (= با) بت پرستی به مبارزه برخاست

التأمر ضد الدولة = التأمر عى الدولة (مان، صص ۲۱۹، ۲۲۰)

توطئه علیه دولت

المكافحة ضد الامية = مكافحة الامية

مبارزه علیه (=با) بی سوادى

تم التلقيح ضد المرض = تم التلقيح من المرض (حسن يوسف، صص ۲۱۴-۲۱۳)

واکسیناسیون علیه (=ضد=در برابر) این بیماری صورت پذیرفت.

به طوری که می بینیم جمله های اول با ساختار فارسی مناسبت بیشتری دارد. زیرا در

جمله های دوم احتمال اشتباه وجود دارد، ضمن آنکه با فرض دقت و آگاهی مترجم،

انجام تعدیل ضروری است.

به طور کلی مذاق فارسی از کاربرد جمله های نوع اول استقبال می کند و این به دلیل

شباهت ساختاری آنها به این زبان است. *پیشروم انانی و مطالعات فرنگی*

هـ رواج برخی فعل های ترکیبی در مقابل فعل های ریشه ای:

طبیعت زبان عربی اقتضا می کند فعل ها از ریشه ساخته شده و به کار روند. در

حقیقت اولویت با ساخت فعل از ریشه است، اما اخیراً فعل های ترکیبی در مقابل انواع

ریشه ای آن رواج یافته است. مانند:

I saup all night yesterday waiting for my son to some back.

البارحة بقیة ساهرا طوال اللیل بانتظار عودة ابني: به جای: البارحة سهرت ...

He was perfectly with the historical account I gave him of our affairs.

اذله کلیا الوصف التاريخى الذى اعطيته اياه لشؤوننا؛ به جای:

اذله کلیا الوصف التاريخى الذى وصفت له ...

به نظر می‌رسد این شکل استفاده از فعل ترکیبی به ویژه به هنگام استفاده از فعل «اعطی» دریافت فعل، معادلی باشد که ابتدا مترجمان عرب در مقابل ترکیب انگلیسی «Give answer» ارائه داده‌اند.

مانند:

اعطی جوابا؛ به جای: اجاب یا ادلی بجواب

نمونه دیگر در این خصوص، که سبب رواج بیشتر فعل‌های ترکیبی در مقابل فعل‌های ریشه‌ای گردیده، استفاده از ترکیب «جعل + ضمیر + فعل» است که درست با ترکیب انگلیسی زیر برابر است:

Make + pronoun + verb

این ترکیب به ویژه در متونی که از انگلیسی به عربی ترجمه شده‌اند، بسیار به چشم می‌خورد. برای مثال به نمونه‌های زیر توجه کنید:

۱- آنها تجعلک تصاب بالغثیان؛ (استاین، ص ۴) به جای:

أنها بصیك بالغثیان.

ترجمه: او تو را به حالت تهوع می‌اندازد (= دچار می‌کند) = حالت را به هم می‌زند.

۲- لکاتی طریقة تجعل الجمیع یفعلون کل ما ترید؛ (همانجا؛ نیزک: صص ۴۰ و ۴۱) به

جای:

لکاتی طریقة تدفع الجمیع الی فعل ما ترید؛ یا: لکاتی طریقة ترغم الجمیع علی (یا: تحمل الجمیع علی) ان یفعلوا ما ترید.

ترجمه: کسی روشی دارد که با استفاده از آن همه [را در موقعیتی قرار می‌دهد تا] کاری را که می‌خواهد انجام دهند (= کسی روشی دارد که همه را به انجام کاری که می‌خواهد وا می‌دارد).

این مثال‌ها به خوبی نشان می‌دهد که منشا رواج این ترکیب استفاده از ساختار انگلیسی بوده است زیرا برای بیان چنین حالت‌هایی که با یک فعل کاری از پیش برده نمی‌شود، می‌توان از ترکیب‌هایی مانند (تدفع یا ترغم علی و...) استفاده کرد که سابقه‌ای دیرین دارند.

البته، رواج این ترکیب دیگر تنها محدود به این دست متون ترجمه شده نیست؛ زیرا بسیاری از نویسندگان عرب نیز از این ترکیب بهره می‌جویند؛
أحاول أن أجعله يفهم أن وقتي قصير؛ (خریط، ص ۱۳) به جای:
أحاول أن أفهمه...

ترجمه: سعی می‌کنم او را [در موقعیتی] قرار دهم که بفهمد وقتم کم است.
حذف «واو» از ابتدای جمله یا جلوگیری از تکرار آن به هنگام توالی عطف:
به طوری که می‌دانیم در زبان عربی «واو» در ابتدای اکثر جملات عربی تکرار می‌شود. این تکرار به اندازه‌ای است که با وجود عدم توجیه ربطی جملات، تکرار آن امری اجتناب‌ناپذیر شده است. واو «استیناف» شاهدهی بر تأیید تکرار زیاد «واو» در ابتدای جملات عربی است.

این در حالی است که در نثر جدید تحت تأثیر زبان انگلیسی از تکرار واو به نحو چشمگیری کاسته شده است.

زیرا در زبان انگلیسی (و نیز فارسی) در ابتدای جمله و نیز به هنگام توالی عطف، نیازی به ذکر «واو» احساس نمی‌شود. این تأثیرپذیری نیز ریشه در ترجمه داشته است، اما به مرور به جزئی از نثر برخی از نویسندگان تبدیل شده است.

حذف «واو» از ابتدای جملات:

مانند:

عندما دخلت قاعة الدرس كان العرق يتصبب مني، يسيل على وجهي، ينحدر الى عنقي و ينساب الى ظهري. (همان، ص ۱۲)

ترجمه: وقتی وارد کلاس شدم عرق از [سر و روی من] می‌چکید، از صورت و گردنم سرازیر و به پشتم جاری می‌شد. روند حذف واو از ابتدای جملات نکته‌ای است که برای مترجم عربی به فارسی می‌تواند حائز اهمیت بسیار باشد. زیرا کثرت تکرار واو در ابتدای جملات عربی، برای مترجمین عربی به فارسی، گاه نوعی پیچیدگی و اعتدال در فهم روابط جملات را به دنبال می‌آورد.

حذف واو به هنگام توالی عطف:

عدم تکرار «واو» به هنگام توالی عطف نیز نوع دیگری از این تأثیرپذیری است. به مثال زیر توجه کرده و آن را با نمونه انگلیسی آن مقایسه می‌کنیم:

«اشتری احمد کتابا، قلاما، کروتا، و دفاتر: (حسن یوسف، ص ۲۰۹)

Ahmad bought books, Pens, cards and notebooks.

عبارت زیر نیز شاهد مثال دیگری در این زمینه است:

«و كان هو سميئا، غليظ الرقبة، منفتح الوجه، له شارب اسود و شعر قصير جدا و انف لطيف يكاد لايبين: (حميد، صص ۲۷-۴۶)

به طوری که ملاحظه می‌شود در مثال‌های فوق، به جای ذکر مکرر «و»، از ویرگول استفاده شده است.

۷- کاهش تکرار ضمیر:

معمولاً در زبان عربی هر گاه پس از ذکر فعل، مفعولی ذکر شود که به فاعل تعلق داشته باشد، ضمیری متناسب با فاعل به آن افزوده می‌گردد که در برخی موارد، ترجمه آن لازم نیست، اما در نثر جدید ضمیر یاد شده در این قبیل موارد حذف می‌گردد؛ مانند:

اعود الى المدرسة... الطلاب يدخلون الصفوف (به جای: صفوفهم)... لاوقت لتناول كأس من الشاي. (خریط، ص ۱۳)

ترجمه: به مدرسه باز می‌گردم... دانش‌آموزان وارد کلاس می‌شوند... برای نوشیدن یک فنجان چای فرصتی نیست.

همچنین در زبان عربی، اصل بر آن است که هر مضاف به یک مضاف‌الیه، اضافه شود و در صورت یکی بودن مضاف‌الیه در توالی اضافهات، به جای تکرار مضاف‌الیه، به ذکر ضمیر آن اقدام می‌شود اما اخیراً ملاحظه می‌شود که گاه در چنین ترکیب‌هایی، ضمیر حذف شده و چند مضاف به یک مضاف‌الیه اضافه می‌شود. مانند:

کتاب و محفظة احمد کتاب و کیف احمد

به طوری که ملاحظه می‌شود، جمله فوق، به جای ترکیب «کتاب احمد و محافظته» (= کتاب احمد و کیفش) به کار رفته است، یعنی چند مضاف به یک مضاف‌الیه، اضافه گردیده است؛ درست همانند ترکیب‌های فارسی و انگلیسی.

اکنون به نمونه‌ای دیگر همراه با معادل انگلیسی توجه کنید:

حکومة و شعب الكويت. (حسن یوسف، ص ۲۰۵)

The government and people of Kuwait .

اضافه کردن مصدرهای متعدّد به یک اسم (=فاعل یا مفعول) نیز از نمونه‌های دیگر

در این زمینه است که سبب کاهش تکرار ضمیر می‌گردد؛ مانند:

اعادة و تکرار المواقف (به جای: اعادة المواقف و تکرارها)

با توجه به اینکه در زبان عربی ذکر ضمائر فراوان و ارجاعات مکرر، امری شایع است، در بسیاری از موارد، عمل حذف و تعدیل ضمائر، به هنگام ترجمه لازم و واجب می‌گردد؛ زیرا در غیر این صورت، ترجمه کاملاً قالب تحت اللفظی و ملال‌آوری به خود خواهد گرفت. کاهش ذکر ضمیر، گاهی دیگر در راستای نزدیکی ساختاری عربی به فارسی است که ریشه در تأثیرپذیری این زبان از زبان انگلیسی دارد.

نکته دیگری که در زمینه کاهش ذکر ضمیر، اثرگذار بوده است، رواج ترکیب‌های «نفي گذشته و آینده» یا «گذشته و حال»، با استفاده از یک فعل است؛

مانند:

لم و لن نقبل هذا الوضع (عائانی، ص ۲۲۲)

ترجمه: این وضع را نپذیرفته و نخواهیم پذیرفت.

در زبان عربی، روش معمول بر آن بوده است که نفي گذشته و آینده یا حال، هر یک با فعل مختص خود صورت پذیرد؛ یعنی: لم نقبل هذا الوضع و لن نقبله (این وضع را نپذیرفتیم و آن را نخواهیم پذیرفت).

به طوری که ملاحظه می‌شود، عبارت اخیر، متضمن تکرار فعل و نیز ذکر ضمیری است که به هنگام ترجمه باید حذف شود. اما این مشکل در عبارت نخست (نفی گذشته و آینده با یک فعل) وجود ندارد.

کاربرد دو یا چند فعل با یک فاعل و مفعول (مورد شماره ۱) نیز از دیگر مواردی است که سبب می‌شود ضمیر در جمله تکرار نشود (به مثال‌های ذکر شده در این خصوص مراجعه شود).

۸- منفی کردن «باید»، همانند زبان‌های انگلیسی و فارسی:

در زبان فارسی در برابر «باید»، از «نباید» و در زبان انگلیسی در برابر «Should, Must» از «Shouldn't, Mustn't, ...» استفاده می‌شود.

اما در زبان عربی برای موارد مشابه اغلب از «يجب» + «ان» + فعل مضارع (مثبت)، و در مقابل برای حالت نفی از ترکیب «يجب» + «ان» + فعل مضارع منفی، استفاده می‌شود؛ مانند:

مثبت: يجب ان يذهب

منفی: يجب ان لا يذهب

البته مانعی وجود ندارد که «لا» به ابتدای ترکیب، یعنی «يجب» اضافه شود، زیرا «يجب» خود فعل مضارع است. با این حال اخیراً با گسترش تأثیرپذیری از انگلیسی و دیگر زبان‌های اروپایی، رویکرد غالب در متون ترجمه، استفاده از نوع دوم است؛ یعنی ترکیبی که دقیقاً قالب فارسی و انگلیسی را یادآوری می‌کند (به عنوان نمونه نک: همگویی، صص ۹ و ۲۰)؛ مانند:

لايجب ان يفشل نباید شکست بخورد He Shouldn't be failed

۹- رواج برخی دیگر از ترکیب‌های تأثیرپذیرفته از انگلیسی:

علاوه بر آنچه بحث آن گذشت، ترکیب‌های دیگری نیز هستند که تحت تأثیر زبان انگلیسی و اغلب از طریق ترجمه‌های مطبوعاتی در زبان عربی شیوع یافته‌اند. البته ما مسأله تأثیرپذیری زبان فارسی از برخی از این ترکیب‌ها را نیز نفی نمی‌کنیم. اما ذکر این

نکته لازم است که تعدادی از این موارد تنها به زبان عربی رواج یافته و هنوز در زبان فارسی جایی پیدا نکرده است.

به عبارت دیگر، تعدادی از این ترکیب‌ها، مانند رواج «إذا» به مفهوم «هل»، در صورت عدم آشنایی با زبان انگلیسی، ترجمه را پیچیده می‌کند، اما اغلب آنها نقش تسهیل کننده دارند.

به هر حال به جهت اینکه برخی از این ترکیب‌ها در مقایسه با موارد پیش گفته تأثیر متفاوتی در ترجمه از عربی به فارسی دارند، جداگانه به آنها اشاره می‌کنیم:

کاربرد «بهدف» به جای «بغیة» یا «لأجل» به عنوان ترجمه «In order to»:

۱- تطوع فی الجیش بهدف تحریر وطنه (برگرفته از خاقانی، ص ۲۲۰)؛ به جای: تطوع فی

الجیش بغیة تحریر وطنه

ترجمه: با هدف (= برای) آزادسازی وطنش داوطلبانه به ارتش پیوست.

۲- کانت مؤشرا واضحا علی سیاست ایران الانفتاحية علی الدول العربية بهدف

التعارف بین الشعوب (صلیة ایران و العرب، العددان ۱۶-۱۵، ص ۴)؛ به جای: کانت مؤشرا... بغیة

(=لأجل) التعارف بین الشعوب

ترجمه: نشان روشنی بود از سیاست باز ایران در برابر کشورهای عربی با هدف (=

برای) آشنایی میان ملت‌ها

کاربرد «إذا» به جای «هل» در وسط جمله به عنوان ترجمه «If»:

سأله اذا جاء الجواب؛ به جای: سأله هل جاء الجواب (برگرفته از خاقانی، ص ۲۲۱)

از او پرسید که آیا جواب آمده است؟

توضیح این نکته ضروریست که در زبان انگلیسی، معنی «If» در چنین کاربردهایی،

«اگر» نیست، بلکه «آیا» می‌باشد؛ مانند:

از او پرسید: آیا میل دارد برود یا نه؟ (حییم، ذیل If)

Ask him if he likes to go.

مجدداً باید اشاره کرد که این کاربرد نیز، تحت تأثیر زبان انگلیسی، شیوع گسترده‌ای یافته و در آثار نویسندگان معروف عرب نیز به کار رفته است؛
مانند:

و سألنی الطیب الشرعی عما إذا كنا استدعینا احدا من اهل المتوفاة... (الحکیم، ص ۱۰۳)

ترجمه: پزشک قانونی از من پرسید که آیا دنبال یکی از اعضای خانواده متوفی بفرستیم....

بنابراین اگر مترجم به این مسأله آگاهی نداشته باشد، این امر می‌تواند کار ترجمه را با مشکل مواجه سازد.

استفاده از فعل «لعب» برای ایفای نقش، به عنوان ترجمه «Play a role»:

استفاده از این ترکیب، مانند عبارت: لعب دورا ايجابيا (نقش مثبتی بازی کرد = ایفا کرد)؛ به جای: قام بدور ايجابي، یا: مثل دورا ايجابيا، صورت می‌گیرد.

به این مثال‌ها توجه کنید:

ففي لحظة دراماتيكية اعلنت الوزيرة اولبرايت أن الولايات المتحدة لعبت في عالم ۱۹۵۳ م. (فصله ایران و العرب، العددان ۱۶-۱۵، ص ۱۸۵)؛ دورا مهما في ترتيب انقلاب ضد رئيس الوزراء المحبوب شعبيا محمد مصدق...

در یک لحظه دراماتیک خانم اولبرایت، وزیر خارجه آمریکا، اعلام کرد که این کشور در سال ۱۹۵۳ م. نقش مهمی در ترتیب دادن کودتا علیه محمد مصدق، نخست وزیر محبوب مردم بازی کرده است.

يلعب دورا خطيرا في السياسة. (ص ۴۳)

نقش مهمی در سیاست بازی می‌کند.

رواج معادل ترجمه شده ساختار تفضیلی انگلیسی «Greater than»:

مسئولیتنا أكبر من أي وقت؛ به جای: مسؤولیتنا أكبر منها في أي وقت (خاقانی،

ص ۲۲۲).

مسئولیت ما بزرگتر از هر وقت دیگری است.

به طوری که ملاحظه می‌شود، در عبارت دوم که شکل کلاسیک تعبیر این جمله در زبان عربی است، یک ضمیر و یک حرف جر، به هنگام ترجمه به فارسی، زائد به حساب می‌آید.

رواج فعل «یشکل» و مشتقات به عنوان معادل «It Forms»

مانند: هذا یشکل عانقا امامی؛ به جای: هذا یقف عانقا/ یقوم عانقا امامی

این مانعی در برابر من است (= وجود می‌آورد)

این ترکیب همانند ترکیب «لعب دورا» و در کنار برخی دیگر از ترکیب‌های دخیل،

آن گونه که اشاره شد به طور کامل جا افتاده است. (شرف، ص ۱۲۵)

منابع:

- ۱- استاین، رل (R.L. Stine)، سلسله صرخه الرعب، القصة: بیت الأشیاب؛ ترجمه: النقراشی نیله، اشراف عام؛ ابراهیم، دالیا محمد، دار نهضة مصر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۰۰۱م.
- ۲- انوری، حسن، و احمدی گیوی، حسن، دستور زبان فارسی ۲، چاپ ششم، انتشارات فاطمی، ۱۳۷۰ ه. ش.
- ۳- حسن یوسف، محمد؛ کیف ترجم؟!، الطبعة الثانية، اتحاد الكتاب العرب، القاهرة، ۲۰۰۶م.
- ۴- الحکیم، توفیق، یومیات نائب فی الأریاف، دارالكتاب اللبنانی - مکتبه المدرسه، ۱۹۸۳م.
- ۵- حمید، حسن، کائنات الوحشه، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق، ۲۰۰۲م.
- ۶- حبییم، سلیمان، فرهنگ کوچک انگلیسی فارسی حبییم، فرهنگ معاصر، تهران، ۱۳۷۴/۱۳۷۰ ه. ش.
- ۷- الجبوری، عبدالکریم؛ سیلک الی فن الترجمة، دار و مکتبه الهلال، بیروت، ۲۰۰۵م.
- ۸ - جماعه من مدرسی الترجمة فی الکلیات و المعاهد الخاصه، الاسلوب الصحیح فی الترجمة فی اللغتين الانكليزية و العربيه، الجزء الاول، منشورات دار مکتبه الحياه، بیروت، ۱۹۸۵م.

- ۹- خاقانی، محمد، لغه الاعلام فی الصحافه العربيه و الفارسيه، الطبعه الاولى، دارالروضة، بيروت، ۱۹۹۷م.
- ۱۰- خريط، ابراهيم، الاغتيال، منشورات اتحاد الكتاب العرب، دمشق، ۱۹۹۷م.
- ۱۱- عنانی، الدكتور محمد، فن الترجمة، مكتبة لبنان ناشرون، الطبعه الثامنه، الشركه المصريه العالميه للنشر لوجمان، ۲۰۰۴م.
- ۱۲- غصن، غسان، المفيد فی الترجمة و التعريب، الطبعه الاولى، دارالعلم للملایين، بيروت، ۱۹۹۹م.
- ۱۳- شرف، عبدالعزيز، اللغه العربيه و الفكر المستقبلي، الطبعه الاولى، دارالجبل بيروت، ۱۹۹۱م.
- ۱۴- شيباني، سعيد، گفت و شنود عربي (محاورةای سوریه، لبنان، فلسطين، اردن)، چاپ اول، انتشارات پایا، ۱۳۸۴ هـ. ش.
- ۱۵- فهمی حجازی، زبان شناسی عربي، محمود، ترجمه سيدحسين سيدی، سمت، ۱۳۷۹ هـ. ش.
- ۱۶- فصلیه ايران و العرب، مركز الابحاث العلميه و الدراسات الاستراتيجيه للشرق الاوسط، طهران و بيروت، السنه الرابعه، العددان ۱۵-۱۶.
- ۱۷- صلحجو، علی، گفتمان و ترجمه، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۷ هـ. ش.
- ۱۸- گویری، سوزان، خویشاوندی زبانها، خاستگاه زبان آلمانی و تحولات آن، مجله پژوهش زبانهای خارجی، نشریه دانشکده زبانهای خارجی دانشگاه تهران، شماره ۳۷، بهار ۸۶
- ۱۹- لطفی پور ساعدی، کاظم، درآمدی به اصول و روش ترجمه، چاپ سوم، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۷۶ هـ. ش.
- ۲۰- همنگوی، ارنست، الشیخ و البحر، الطبعه الاولى، دار مکتب الهلال، ۲۰۰۵م.
- 21- Deborah Phillips, Complete Course for the Toefl Test, (LongmanL: 2001).
- 22- George E. Wishon & Julia M. Burks, Let's Write English, (New York: American Book Company).